



The Geopolitical Objectives of the Zionist Regime's Nuclear Iranophobia Policy

Hoosein Rezai

Assistant Professor, Faculty of Basic Sciences, Shahid Sattari University of Aeronautical Engineering, Tehran, Iran.

Email: Hoosein.rezai@yahoo.com

 0000-0001-8062-1824

Abstract

Iranophobia constitutes a strategic project aimed at portraying Iran as a significant threat to both regional and global peace and security, thereby undermining and tarnishing Iran's image in regional and international public opinion. This article seeks to analyze and examine the Zionist regime's Iranophobic policy toward the Islamic Republic of Iran's nuclear program from a geopolitical perspective. To this end, following an examination of theoretical concepts and research findings, the objectives of the Zionist regime's Iranophobic policy regarding the Islamic Republic of Iran's nuclear program have been analyzed. The research findings clearly demonstrate that the Zionist regime's adoption of Iranophobic policy sequentially serves the following objectives: (1) diverting global attention from the Zionist regime's ongoing territorial expansion in Palestine by exaggerating the nuclear Iran threat; (2) isolating the Islamic Republic of Iran as the key actor in the Resistance Axis to limit its geopolitical functions and reduce the sphere of influence of the Resistance Axis; (3) capitalizing on concerns about a nuclear Iran to disrupt the geopolitical balance of power in Southwest Asia; (4) persuading the United States and other UN Security Council members to pressure Iran on nuclear issues; (5) gaining concessions from the U.S. and Western countries to expand geopolitical territory; (6) obscuring its own military nuclear program; (7) utilizing nuclear Iranophobia as a tool in the Zionist regime's internal political competitions; and (8) fostering internal cohesion within Zionist regime society. The macro-approach of this research is grounded in constructivist theory, particularly focusing on the concept of 'identity.' By applying the identity framework from constructivist theory, it seeks to comprehend the 'Iranophobia' policy, especially 'nuclear Iranophobia,' from the Zionist regime's perspective. Data collection methods include both library research and field studies (questionnaires).

Keywords: Zionist regime, Iranophobia, Islamic Republic of Iran's nuclear program.





سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۹)، تابستان ۱۴۰۳، صص. ۶۸-۳۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵

مقاله پژوهشی

اهداف ژئوپلیتیکی سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی

حسین رضایی

استادیار دانشکده علوم پایه، دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری، تهران، ایران.

Email: Hoosein.rezai@yahoo.com

id 0000-0001-8062-1824

چکیده

ایران‌هراسی پروژه‌ای راهبردی است که در پی مطرح ساختن ایران به‌عنوان تهدیدی بزرگ برای منطقه و همچنین برای صلح و امنیت جهانی است؛ به‌طوری‌که باعث تضعیف و تخریب چهره ایران نزد افکار عمومی منطقه و جهان گردد. مقاله حاضر تلاش دارد تا از منظر ژئوپلیتیکی، سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تحلیل و بررسی نماید. بدین منظور پس از واکاوی مفاهیم نظری و یافته‌های تحقیق، اهداف سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی به ترتیب در راستای اهداف «دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای»، «منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت»، «نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا»، «متقاعد کردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای»، «کسب امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی»، «سرپوش گذاشتن بر برنامه هسته‌ای نظامی خود»، «استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی» و «ایجاد همگرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی» صورت گرفته است. رویکرد کلان این پژوهش مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری و بر پایه مقوله «هویت» است. بدین صورت که با در نظر گرفتن مقوله هویت از نظریه سازه‌انگاری در پی فهم سیاست «ایران‌هراسی» و به‌خصوص «ایران‌هراسی هسته‌ای» از منظر رژیم صهیونیستی می‌باشد. گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) است.

کلیدواژه‌ها: رژیم صهیونیستی، ایران‌هراسی، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران.

شابا الکترونیک: ۳۰۴۱-۹۹۷۲ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.

مقدمه

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رژیم صهیونیستی در همه حوزه‌های عادی‌سازی روابط، رشد و پذیرش در جامعه جهانی و محاصره کشورهای عربی منطقه در حال پیشرفت و پیشروی بود. این رژیم، از سال تأسیس (۱۹۴۸) تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (۱۹۷۹) در جنگ‌های مختلفی که درگیر آن شده، پیروز گشته و در این دوره در تمام سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی پایگاه‌های مهمی ایجاد کرده است. لابی‌های صهیونیستی در آمریکا و اروپا به نفوذ و قدرت بالایی دست یافتند و در منطقه هم در شرایط مساعد با کشورهای مصر، ایران، ترکیه و اردن روابط دیپلماتیک داشت؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این رابطه معکوس شد. اولین اقدام قطع رابطه، تعطیلی سفارت و سایر اقدامات جمهوری اسلامی برای مقابله با تجاوزات این رژیم بود. علاوه بر آن انقلاب اسلامی تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی در منطقه داشت. در ۱۹۸۱ جنبش جهاد اسلامی شکل گرفت این جنبش تا سال ۱۹۸۶ پرچم‌دار انقلاب اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی بود و اولین انتفاضه فلسطین در همین سال‌ها شکل گرفت. در فلسطین دو جنبش شکل گرفت؛ «جنبش مقاومت» مورد حمایت ایران و «جریان سازش» مورد حمایت کشورهای محافظه‌کار عرب. یکی دیگر از ضربه‌های جمهوری اسلامی به رژیم صهیونیستی شکل‌گیری مقاومت در لبنان بود. بعد از روندهای یاد شده، رژیم صهیونیستی در هر جنگی وارد شد، بخشی از دستاوردهای خود را از دست داد و تحت تأثیر انقلاب اسلامی، تنش اعراب با رژیم صهیونیستی به رویارویی جهان اسلام و رژیم صهیونیستی تغییر پیدا کرد.

روند تحولات یاد شده باعث گردید، رژیم صهیونیستی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و به‌خصوص پس از سقوط صدام، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان دشمن طراز اول منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی برای موجودیت خود تلقی و شناسایی نموده و جنگ دیپلماتیک و تبلیغاتی همه‌جانبه خود را علیه این نظام آغاز نماید. از این‌رو، طی دو دهه گذشته و به‌خصوص در سال‌های اخیر، سیاست ایران‌هراسی از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی با هدف به حاشیه راندن و در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران دنبال شده است. طرح «ایران‌هراسی»، محدودسازی و انزوای جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار قرار داده است تا از این منظر جمهوری اسلامی را از متن مناسبات با همسایگان به حاشیه ببرد و قدرت تأثیرگذاری ایران را در منطقه به حداقل برساند.



بر همین اساس عمده فعالیت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در پیشبرد این پروژه در دو بُعد ایران‌هراسی غربی و ایران‌هراسی عربی صورت گرفته است. در واقع این بدان معناست که پروژه ایران‌هراسی به‌وسیله تبلیغات سنگین رسانه‌ای و ایجاد عملیات روانی از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای غربی، علاوه بر غرب در حوزه کشورهای عربی و کشورهای اسلامی منطقه نیز گسترش یافته و با مانور سیاسی بسیار بالایی در رسانه‌ها و شبکه‌های عربی نیز در حال پیگیری است. ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با اجرای پروژه ایران‌هراسی و ایجاد ترس در بین کشورهای منطقه و با هدف ایجاد شکاف و اختلاف در جهان اسلام مطرح و مورد تأکید و برجسته‌سازی قرار داده‌اند.

سران رژیم صهیونیستی نیز در راستای تشریک مساعی با حامیان خویش تلاش‌های فراوانی را در این زمینه انجام داده‌اند، به نحوی که «شیمون پرز» رئیس‌جمهور سابق این رژیم در رابطه با مسئله ایجاد شده بین مصر و حزب الله اظهار داشت: «دیر یا زود جهان می‌بیند که ایران سعی دارد همه خاور نزدیک را به چنگ بیاورد».

در نگاهی دیگر پروژه ایران‌هراسی عربی با توجه به موضوع اختلاف بین شیعه و سنی با هدف ایجاد رعب و ترس در میان کشورهای عربی سنی مذهب منطقه تحت عنوان خطر نفوذ و گسترش قدرت تشیع با محوریت ایران و همچنین اثرپذیری از تبلیغات سنگین و احساس خطر در برابر گسترش و نفوذ شیعه، از سوی دولتمردان کاخ سفید و سران رژیم صهیونیستی دنبال شده و همین مسئله زمینه مسابقه تسلیحاتی را برای کشورهای عربی منطقه فراهم آورده است. در این میان یکی از زمینه‌هایی که در راستای تحقق «پروژه ایران‌هراسی» از آن استفاده بیشتری شده است پروژه «ایران‌هراسی هسته‌ای» است. رژیم صهیونیستی، سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای را هم‌سو با سیاست‌های آمریکا در جهت محدود کردن راهبردی هرچه بیشتر ایران را مطرح کرده است. رژیم صهیونیستی از هر فرصتی برای نشان دادن چهره‌ای نامطلوب از ایران در صحنه جهانی استفاده می‌کند. سیاستمداران رژیم صهیونیستی با ایجاد عملیات روانی تلاش فراوانی در این زمینه به عمل آورده‌اند تا ضمن اینکه مانع از پیشرفت ایران در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای شوند، زمینه شکل‌گیری فشار بیشتر بر ایران در پرونده هسته‌ای را از سوی جامعه جهانی فراهم آورند. صهیونیست‌ها با تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای دست به اتهامات بی‌پایه و اساس در مورد مقاصد و اهداف نظامی ایران از این برنامه صلح‌آمیز زده‌اند و به رغم سابقه همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی



هسته‌ای، کارزار گسترده‌ای برای تکمیل پروژه ایران‌هراسی هسته‌ای و نشان دادن ایران به‌عنوان کشوری که تهدیدی برای ثبات منطقه و صلح و امنیت بین‌الملل است، به راه انداخته‌اند.

این رژیم که خود تنها دارنده تسلیحات هسته‌ای در منطقه است، تلاش نموده رعب و هراس دستیابی جمهوری اسلامی ایران به این تسلیحات را در منطقه ایجاد کند. از این‌رو، سعی نموده تا ضمن ایجاد اختلال در برنامه هسته‌ای ایران، به اشکال مختلف برنامه ایران‌هراسی هسته‌ای را پیش ببرد. از جمله ایجاد شبهه در میزان غنی‌سازی هسته‌ای در ایران، برنامه‌ریزی ترور دانشمندان هسته‌ای و تهدید آن‌ها، فعالیت گسترده لابی صهیونیستی در آمریکا و اروپا و تبلیغات شدید برای قبولاندن صلح‌آمیز نبودن برنامه هسته‌ای ایران. در واقع برخلاف بیشتر کشورهای منطقه که واکنشی مبهم و غیررسمی به برنامه هسته‌ای ایران نشان داده‌اند، مقام‌های رژیم صهیونیستی آشکارا برنامه مذکور را تهدیدی علیه امنیت خود دانسته و خواهان متوقف کردن آن به هر شکلی بوده‌اند.

این در حالی است که، جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری نیست که برنامه هسته‌ای (صلح‌آمیز) دارد و فهرست بلند بالایی از کشورهای دارای برنامه هسته‌ای را می‌توان برشمرد. کشورهای آرژانتین، آلمان، آمریکا، اسپانیا، انگلیس، اسلونی، آفریقای جنوبی، اوکراین، بلژیک، بلغارستان، برزیل، پاکستان، چین، چک، ژاپن، روسیه، رومانی، سوئد، سریلانکا، کره جنوبی، کره شمالی، لیتوانی، هلند و هند از جمله کشورهایی هستند که رسماً در زمینه هسته‌ای (نظامی و غیرنظامی) فعالیت می‌کنند و خود رژیم صهیونیستی و برخی دیگر از کشورها بی‌آنکه مطرح شوند، برنامه‌های پنهان هسته‌ای نظامی دارند. در مقابل ایران از قدیمی‌ترین کشورهای عضو پیمان عدم اشاعه هسته‌ای (NPT) است و تعهدات پیمان را در عدم انحراف هسته‌ای رعایت کرده و صرفاً به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای مشغول بوده و با این وجود دچار فضای سنگین تبلیغاتی ساخته شده توسط سیاست‌مداران و رسانه‌های صهیونیستی و آمریکایی شده است و در نتیجه آن فضا‌سازی‌ها، پرونده فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان موضوعی امنیتی مطرح و به شورای امنیت سازمان ملل ارسال گردید. ایران‌هراسی هسته‌ای و اعمال فشارهای همه‌جانبه بر جمهوری اسلامی ایران در حالی صورت گرفته که مقام معظم رهبری و سایر مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف، ادعای تلاش ایران برای تولید سلاح هسته‌ای را تهمت و دروغ ناروا علیه نظام اسلامی برشمرده و همواره چنین ادعاهایی را رد نموده‌اند. دستگاه‌های اطلاعاتی غرب و تحلیلگران واقع‌بین نیز به این جمع‌بندی در خصوص صلح‌آمیز بودن



فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران رسیده‌اند و آژانس بین‌المللی اتمی نیز- حتی پیش از برجام- نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران را تأیید نکرده است.

اما مسئولان رژیم صهیونیستی در راستای «پروژه ایران‌هراسی هسته‌ای»، همواره اقدام شدیدتر جامعه جهانی علیه برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران را خواستار شده‌اند و از کشورهای مختلف خواسته‌اند تا اقدامات بیشتری را علیه برنامه‌های هسته‌ای انجام دهند. آن‌ها به صورت مکرر بیان نموده‌اند که نگران تهدید حکومت ایران برای امنیت و صلح منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای هستند و علاوه بر تهدید خواندن ایران برای صلح و امنیت بین‌المللی و به خصوص برای حیات رژیم صهیونیستی، از کشورهای مختلف و به خصوص آمریکا و اعضای شورای امنیت اعضای خواسته‌اند، اقدامات بیشتری از جمله تداوم تحریم‌های اقتصادی و متوقف کردن تمامی روابط تجاری با ایران را برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران انجام دهند. هرچند فضای ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی پس از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بین جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱، تا حدودی تعدیل شده بود، اما پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و روی کار آمدن «دونالد ترامپ» - که نگاه و رویکردی ضد ایرانی دارد- این تلاش‌ها رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفته است. از این‌رو، این پژوهش در پی بررسی و تحلیل علمی اهداف و مقاصد این رژیم صهیونیستی برای در پیش گرفتن سیاست «ایران‌هراسی هسته‌ای» در مقابل جمهوری اسلامی ایران، است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این مسئله اصلی است که هدف یا اهداف اصلی رژیم صهیونیستی برای در پیش گرفتن سیاست «ایران‌هراسی» و به خصوص «ایران‌هراسی هسته‌ای»، چیست؛ رویکرد کلان این پژوهش مبتنی بر نظریه سازه‌نگاری و بر پایه مقوله «هویت» آن است. بدین صورت که با در نظر گرفتن مقوله هویت از نظریه سازه‌نگاری در پی فهم سیاست «ایران‌هراسی» و به خصوص «ایران‌هراسی هسته‌ای»، رژیم صهیونیستی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) است.

همچنین برای تعیین جامعه آماری و حجم نمونه، سعی شده تا جامعه آماری از بین صاحب‌نظران آشنا با موضوع این پژوهش انتخاب شود. در این راستا، پس از بررسی سوابق علمی، پژوهشی و اجرایی متخصصین این حوزه (اعم از استادان دانشگاه و پژوهشگران مرتبط با موضوع) با روش تعیین نمونه‌گیری زنجیری، تعداد ۹۱ نفر که در زمینه این پژوهش دارای شناخت و تخصص بودند، به عنوان جامعه آماری مورد شناسایی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های نمونه آماری

رشته تحصیلی						سطح تحصیلات			
مجموع	مدیریت استراتژیک	مطالعات منطقه‌ای	جغرافیای سیاسی	علوم سیاسی	روابط بین‌الملل	مجموع	کارشناسی ارشد	دانشجوی دکتری	دکتری
۹۱	۳	۱۶	۱۷	۲۹	۲۶	۹۱	۲۶	۳۶	۲۹

همچنین از نظر روایی، با توجه به محقق ساخته بودن پرسش‌نامه، این پرسش‌نامه به تعداد ۱۳ نفر از صاحب‌نظران مرتبط با پژوهش ارائه گردیده و دیدگاه‌های اصلاحی آن‌ها اعمال گردیده است. پایایی (اعتبار) پرسش‌نامه نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده ضریب آلفای کرونباخ (میانگین) ۰/۸۵ درصد است که نشان دهنده انسجام و ثبات درونی قابل قبول پرسش‌نامه است.

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. سازه‌انگاری و هویت

«سازه‌انگاری یا برساخت‌گرایی»^۱ یکی از نظریات مهمی است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد حوزه روابط بین‌الملل شد. تئوری سازه‌انگاری متعلق به مناظره چهارم در روابط بین‌الملل است که بر اساس دیدگاه اجتماعی شکل گرفته است. طبق این رویکرد، سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌المللی شکل می‌گیرد همچنین هنجارها و قواعد، اساس بازی را شکل می‌دهند (رستمی، ۱۳۹۰: ۱۲). این نظریه که در مقابل نظریه مادی‌گرای جریان اصلی روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد، با رد برداشت‌های خردگرایانه نواقع‌گرایی، دیدگاهی منطقی-اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه داد که بر اهمیت ساختارهای هنجاری، مادی و نقش هویت در ساخت منافع، کش‌ها و تکوین متقابل کارگزار-ساختار تأکید می‌کند (عطایی و منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

از این منظر، سیاست بین‌الملل به‌عنوان یک برساخته اجتماعی قلمرو اجتماعی تلقی می‌شود که ویژگی‌های آن درنهایت از طریق ارتباطات و تعامل میان واحدهای آن تعیین شود (عطایی و منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۴۱).



از نظر «استیو اسمیت» سازه‌انگاری اجتماعی به‌طور خاص برای تحلیل سیاست خارجی مناسب است، دقیقاً به این دلیل که بر ساختگی اجتماعی از این مفروضه شروع می‌شود که کنشگران جهان خود را می‌سازند و این کنشگران هستند که تفسیر می‌کنند؛ تصمیم می‌گیرند و اجرا می‌کنند (Smith, 2011: 83-85). سازه‌انگاری نه تنها از نظر فهم نوینی که از روابط بین‌الملل در بُعد محتوایی آن می‌دهد، اهمیت دارد، بلکه از این نظر که در عین حال (و به زعم برخی، در اصل) تلاشی است در حوزه فرائظری، اهمیت ویژه‌ای دارد (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۲۳). اتخاذ موضع میانه و یا گزینش راهی میانه، خصیصه‌ای است که بیش از هر مکتبی به سازه‌انگاری نسبت داده می‌شود (نصری، ۱۳۸۵: ۷۳۲). مطالعات امنیتی سازه‌انگاران در حد فاصل مطالعات امنیتی خردگرایان و واکنش‌گرایان و یا به‌طور کلی میان اثبات‌گراها و پسااثبات‌گراها قرار دارد و می‌کوشد تا این دو مجموعه را به هم وصل نماید (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۵). این رویه، سازه‌انگاری را قادر ساخته تا موازینی را از مکاتب و رهیافت‌های مختلف برگرفته و ضمن رد برخی پایه‌های مکاتب، بعضی موازین آن‌ها را بپذیرد. اگر مکتب رئالیسم، مادی‌گرا و مکتب ایدئالیسم، معناگراست، سازه‌انگاری راهی میانه را برگزیده که تلفیقی از آن دو باشد؛ یعنی وجوهی از برداشت مادی‌گرایانه و مواردی از برداشت معناگرایانه در آن حضور داشته باشد. اگر اثبات‌گراها قائل به قابل شناخت بودن پدیده‌ها و مناسبات انسانی و طبیعی هستند و پسااثبات‌گراها در قبال آن‌ها صف‌آرایی کرده و از غیر قابل شناسایی بودن حقیقت سخن می‌گویند، سازه‌انگاران باز هم موضعی میانه می‌گیرند و درباره امکان و عدم امکان شناخت حقیقت و پدیده‌ها استدلال می‌کنند. همچنین اگر عقلانیت‌گرایان (شامل رئالیسم، نئورئالیسم، ایدئالیسم و نئوایدئالیسم) از روش تبیین در تحلیل گزاره‌ها استفاده می‌کنند و پست‌مدرن‌ها از روش تفهم دفاع به عمل می‌آورند، سازه‌انگاران باز هم راهی میانه برمی‌گزینند (نصری، ۱۳۸۵: ۷۳۲). به عبارت دیگر سازه‌انگاران بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

مطالعات امنیتی سازه‌انگاران بر دو فرضیه عمده بنا شده است؛ اول آنکه ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی است؛ و دوم آنکه تغییر تفکر در خصوص روابط بین‌الملل می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن گردد. این فرض بدان معناست که چنانچه تفکر ما تغییر نماید، وضعیت امنیتی نیز تغییر خواهد کرد (آقا حسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴). سخن روشن اندیشمندان سازه‌انگار این است که تصمیمات و مواضع



بازیگران، بر اساس برداشتی است که طی تعامل با دیگران به دست می‌آورند و پیش از شروع تعامل، هویت و منافعی قابل تصور نیست. به گفته «نیکلاس اونف»: «جهان پیش رو جهانی است که ما می‌سازیم نه اینکه خود قواعد لایتغیری داشته باشد. این ما هستیم که جهان را معنا و اداره می‌کنیم» (نصری، ۱۳۸۵: ۷۱۴).

سازهانگاران در زمینه معماهای امنیتی «موازنه قدرت» و «تنگنای امنیتی» توضیحات قابل درکی ارائه داده‌اند. اولین مسئله، موازنه قدرت است. رئالیست‌های سنتی معتقد هستند که دولت‌ها به وسیله قدرت متوازن می‌شوند، اما «استفان والت» به عنوان یک نو رئالیسم بیان می‌دارد که در حقیقت، دولت‌ها علیه تهدیدات متحد می‌شوند. رئالیست‌ها در اینکه دولت‌ها چگونه می‌توانند قدرت دشمن را تخمین بزنند، توانا هستند اما تئوری آن‌ها نحوه درک دولت‌ها از نیت خصمانه در برابر نیت دوستانه را نشان نمی‌دهد و قادر به تبیین آن نیست. درحالی‌که سازهانگاران برای این وضعیت مفهوم هویت را مطرح می‌نمایند. توضیح سازهانگاران هویت، در نحوه شکل‌گیری تهدیدات و تشکیل اتحادها، قدرت تبیین‌کنندگی خوبی دارد (آقا حسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴).

درمجموع، سازهانگاران در عرصه روابط بین‌الملل در چهار عقیده اشتراک نظر دارند. نخست اینکه، سازهانگاران معتقدند بازیگران و ساختارها به صورت متقابل ساخته می‌شوند. تعاملات بازیگران ساختارهای بین‌المللی را شکل می‌دهد و این ساختارها رفتار بازیگران را تعیین می‌کند. دوم، آنان معتقدند هویت و منافع، متغیرهایی درونی هستند. هویت‌ها به صورت مستمر از طریق تعامل بازیگران ساخته می‌شوند و منافع از طریق هویت‌های خاص سرچشمه می‌گیرد. سوم، سازهانگاران قدرت را صرفاً در عوامل مادی خلاصه نمی‌کنند و بر قدرت ایده‌ها و اندیشه‌ها تأکید دارند. چهارم، سازهانگاران به ارائه چهارچوب مختص به خود برای تشریح تغییرات بین‌المللی همت گمارده‌اند.

همچنین هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود. هویت‌ها به طور هم‌زمان بر گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل هستند که به آن‌ها شکل می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۲).



موضوع هویت و نقش آن در سیاست خارجی، برجسته‌ترین نکته در اهداف ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی است که از هویت سازه‌انگارانه - نه صرفاً «ازلی‌انگارانه»^۱، «ابزارگرایانه»^۲ و «از پیش داده شده»^۳- می‌باشد. هویت در نگرش سازه‌انگاری نه متصلب و ازلی است و نه سیال و نسبی. هویت سازه‌انگاری هم حامل مایه‌های ثابت و هم پذیرای معناها و اشکال پویاست. در این معنا، هویت بازیگران همواره در حال پوست انداختن و بازتعریف است و سخن گفتن از هویتی ثابت و لایتغیر غیرممکن است (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۲). در تحلیل سازه‌انگاری امور کنش تا حدود چشم‌گیری تابع شناخت یا دانش است. هر بازیگری به‌عنوان حامل یک هویت، فهم و انتظار ویژه‌ای از خود دارد و مناسبات خود با دیگران را براساس همان فهم شکل می‌بخشد.

سازه‌انگاران معتقد هستند هویت‌ها با فراهم آوردن معنا، تردیدها را کاهش می‌دهند. از این رو با دادن توانایی به یک کشور برای شناخت دشمنان خود، می‌توان تردیدها را جای ناامنی قطعی نشاناد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۰۹). نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که هویت‌ها فقط متفاوت نیستند، بلکه متحول هم هستند. بر این اساس، تفاوت امری است متحول یعنی حدود و ثغور تمایزهای فرهنگی رفته رفته متحول می‌شود. با پدیداری فرایندهای جدید، برداشت‌های متفاوت و نوع علامت‌های تبدالی بین بازیگران، محاسبات و مناسبات نیز متحول می‌گردد. به این ترتیب، هر مؤلفه و علامتی که روی برداشت دیگران تأثیر بگذارد، در نگرش سازه‌انگاری معنادار و اثرگذار است (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۲-۷۲۳). تعامل و شناخت بیناذهنی، کنشگران عرصه بین‌المللی را به سمت شکل دادن به یک ساختار سوق می‌دهد. ساختاری که تبلور رفتار عمومی دولت‌ها می‌شود و آن‌ها می‌پذیرند که ضمن تأثیرپذیری، هویت خود را در قالب سیاست خارجی ابراز و بخش قابل توجهی از امنیت خود را به واسطه شناسایی و خودابرازی به دست آورند (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۳). برای سازه‌انگاران، سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی و ... همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها و الگوهای برایندها شکل می‌دهند مهم است. این‌ها نوعی جهان‌بینی ایجاد می‌کنند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. نهادهای بین‌المللی و رژیم‌های بین‌المللی همچون رژیم‌های تسلیحاتی و حقوق بشر، هنجارهای بین‌المللی و ... کنشگران را به سمت بازتعریف

1. Primordial
2. Instrumental
3. PREGIVEN

منافع و حتی هویت‌هایشان سوق می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۳). سازه‌انگاران امیدوارند با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع، اندیشه‌ها در عرصه بازی بتوانند تغییرات مهم ایجاد شده در الگوی رفتاری را تشریح نمایند، حتی زمانی که توزیع قدرت همچنان دست نخورده و بدون تغییر باقی مانده باشد (آقا حسینی و مهدیان، ۱۳۹۴: ۶۴). سازه‌انگاران برآنند که هویت‌ها و هنجارها می‌توانند با روابط نهادینه شکل بگیرند و تغییر پیدا کنند. آنچه اشخاص می‌خواهند وابسته به این است که با که تعامل دارند، تا چه حد به آن‌ها وابسته‌اند، از فرایند تعامل چه می‌آموزند و چگونه اولویت‌ها و دعاوی شناخت خود را نسبت به دیگران مشروعیت می‌بخشند. از این مفروضه‌ها دو گزاره استنتاج می‌شود: ۱. هر قدر اشخاص یا کنشگران به برداشت‌های تعریف شده گروه از مشروعیت وابسته‌تر باشند، به احتمال قوی‌تر سیاست‌ها و رویه‌های تصمیم‌گیری را می‌پذیرند که در غیر این صورت بر اساس منافع فردی خود رد می‌کردند؛ ۲. همان‌گونه که فهم از مشروعیت یا سرشت اجتماع تغییر می‌کند، اولویت‌های بنیادین کنشگران نیز تغییر می‌کند. در نتیجه، در تعاملات میان دولت‌ها آن‌ها مستمراً خود و دیگری را بازتعریف می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۳۳۴). به‌طور خلاصه باید اذعان نمود که در چهارچوب رویکرد سازه‌انگاری، دولت‌ها همچنان بازیگران اصلی روابط بین‌الملل بوده و رفتار آن‌ها در وضعیت آشوب‌زدگی تا قبل از تعاملات اجتماعی، قابل پیش‌بینی نیست. ضمناً آنچه رفتار دولت‌ها را تعدیل می‌سازد، ساخت هویت‌ها و منافع است که به‌صورت بین‌الذهانی ایجاد می‌شود (قوام، ۱۳۹۱: ۳۲۷).

۲. یافته‌های پژوهش

سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای، سیاستی است که در آن صهیونیست‌ها با تبلیغات و هیاهوی رسانه‌ای دست به ساخته و پرداخته کردن اتهامات در مورد مقاصد و اهداف نظامی ایران از برنامه صلح‌آمیز آن زده‌اند و به رغم سابقه همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، کارزاری گسترده برای تکمیل پروژه ایران‌هراسی و نشان دادن این کشور (ایران) به‌عنوان کشوری که به‌دنبال دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است، به وجود آورده‌اند. در همین راستا پس از بررسی ابعاد، شرایط و تاریخچه موضوع، ۸ گویه برای اهداف احتمالی رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفت. گویه‌های ارزیابی شده برای سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای رژیم صهیونیستی عبارتند از:



۱. دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای؛
 ۲. گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی؛
 ۳. واهمه و نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم‌خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا؛
 ۴. در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت؛
 ۵. استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی؛
 ۶. سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود؛
 ۷. ایجاد فضای بین الاذهانی مورد نیاز برای همگرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی؛
 ۸. متقاعد کردن آمریکا و کشورهای ۵+۱ برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای.
- نتیجه ارزیابی سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی در جدول شماره ۲، ذکر شده است:

جدول شماره ۲: دیدگاه نمونه آماری نسبت به سیاست ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی

درجات ارزیابی					هدف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۱/۵ درصد	۹/۱ درصد	۱۶/۷ درصد	۳۴/۸ درصد	۳۷/۹ درصد	گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به‌منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی
۱/۵ درصد	۱۹/۷ درصد	۴۳/۹ درصد	۲۵/۸ درصد	۹/۱ درصد	ایجاد فضای بین الاذهانی مورد نیاز برای همگرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی
۱/۵ درصد	۱/۵ درصد	۱/۵ درصد	۴۲/۵ درصد	۵۳ درصد	در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت

درجات ارزیابی					هدف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳ درصد	۹/۱ درصد	۳۳/۳ درصد	۲۷/۳ درصد	۲۷/۳ درصد	سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود
۱/۵ درصد	۱/۵ درصد	۹/۱ درصد	۳۴/۸ درصد	۵۳ درصد	متقاعد کردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای
۱/۵ درصد	۳ درصد	۳ درصد	۲۵/۸ درصد	۶۶/۷ درصد	دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای
۱/۵ درصد	۱۲/۱ درصد	۶/۱ درصد	۳۶/۴ درصد	۴۳/۹ درصد	واهمه و نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا
۹/۱ درصد	۱۸/۲ درصد	۹/۱ درصد	۲۷/۳ درصد	۳۶/۴ درصد	استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی

در ادامه ترتیب اهمیت اهداف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی بر اساس آزمون فریدمن مورد ارزیابی قرار گرفت که در جدول شماره ۳، آورده شده است.

جدول شماره ۳: ترتیب اهمیت اهداف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای

آزمون فریدمن (میانگین اثرگذاری)	هدف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای
۱۴/۲۰ درصد	دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای
۱۳/۹۱ درصد	در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت برای جلوگیری از کارکردهای ژئوپلیتیکی آن و کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی محور مقاومت
۱۳/۶۷ درصد	متقاعد کردن آمریکا و سایر اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای
۱۲/۸۲ درصد	نگرانی ناشی از ایران هسته‌ای و برهم خوردن موازنه ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا



هدف رژیم صهیونیستی از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای	آزمون فریدمن (میانگین اثرگذاری)
گرفتن امتیاز از آمریکا و کشورهای غربی به منظور گسترش قلمرو ژئوپلیتیکی	۱۲/۵۰ درصد
سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود	۱۱/۴۴ درصد
استفاده از ابزار ایران‌هراسی و نشان دادن تهدید ایران برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم صهیونیستی	۱۱/۳۹ درصد
ایجاد فضای بین‌الادھانی مورد نیاز برای همگرایی در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی	۱۰/۰۷ درصد

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌های میدانی

در بررسی میزان اهمیت هر یک از اهداف رژیم صهیونیستی برای در پیش گرفتن سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای، مشخص گردید میزان اهمیت اهداف این رژیم به ترتیب زیر است:

۳-۱. دور ساختن اذهان جامعه جهانی از قلمروسازی نوین رژیم صهیونیستی در فلسطین

هدف محوری رژیم صهیونیستی از درپیش گرفتن سیاست ایران‌هراسی و به‌خصوص ایران‌هراسی هسته‌ای و دامن زدن شدید به آن، دور ساختن اذهان جامعه جهانی و به‌خصوص جوامع اسلامی و عربی از موضوع فلسطین و قلمروسازی نوین این رژیم در سرزمین‌های اشغالی فلسطین است. مسئولان رژیم صهیونیستی برای منحرف کردن اذهان جهانیان به‌ویژه مسلمانان از موضوع فلسطین دست به اجرای نقشه‌ها و توطئه‌های مختلفی زده‌اند که ایران‌هراسی و تشکیل و تقویت گروه‌های تروریستی و تکفیری از جمله این برنامه‌ها هستند. از این‌رو، سیاست ایران‌هراسی، ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی و صحنه‌گردانی پشت پرده جنگ‌های نیابتی که از سوی رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود باهدف به حاشیه راندن موضوع فلسطین و انحراف اذهان عمومی از این موضوع صورت می‌گیرد. رژیم صهیونیستی به این دلیل سیاست ایران‌هراسی را پیگیری می‌کند که در سایه جنایت‌های آن‌ها، افکار عمومی جهان و منطقه از موضوع فلسطین دور شود تا با استفاده از این فرصت بتواند ضمن نادیده گرفتن موضوع تشکیل کشور فلسطینی، برنامه‌های تجاوزگرانه و توسعه‌طلبانه خود را در سرزمین فلسطین اجرایی کند. این در حالی است که رویکرد اصلی قاطبه نظام بین‌الملل برای حل منازعه فلسطین راه حل «دو کشور» است که کشور فلسطین را به‌عنوان یک کشور مستقل در غزه و بیشتر کرانه باختری تأسیس می‌کند و بقیه سرزمین‌ها را به رژیم



صهیونیستی می‌سپارد. [علی‌رغم ظالمانه بودن] و اینکه طرح دو دولت از نظر تئوری واضح و مشخص است، اما دو طرف همچنان در مورد چگونگی عملی کردن آن در عمل اختلاف نظر عمیقی دارند (Beauchamp, 2018: 1-2). در این میان نقشه راه آمریکایی دونالد ترامپ به طرز چشم‌گیری در خدمت رویکرد قلمروسازی رژیم صهیونیستی قرار گرفت. نقشه راه دولت آمریکا موسوم به «معامله قرن» در اوج شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای و جهانی از سوی دونالد ترامپ مطرح و پیگیری گردید. این طرح تحت عنوان «یک راه حل واقع‌گرایانه برای دو کشور»، فلسطینیان را به کشوری با حاکمیت محدود تحت نگرانی‌های امنیتی رژیم صهیونیستی و یک دولت خلع سلاح شده ارائه می‌دهد که اسکله‌های آن توسط تونل‌ها و پل‌های تحت نظارت امنیتی رژیم صهیونیستی به هم متصل می‌شوند. حتی اجرای این نقشه مشروط به آن شده که فلسطینی‌ها رژیم صهیونیستی را به عنوان یک کشور یهودی به رسمیت بشناسند. علاوه بر آن بایستی آنچه رژیم صهیونیستی «ترور در همه اشکال آن» می‌داند را رد کرده و با آن مقابله کنند و ترتیبات ویژه‌ای را برای تأمین نیازهای امنیتی رژیم صهیونیستی - از جمله حق رژیم صهیونیستی برای انجام عملیات امنیتی در داخل کشور فلسطین - بپذیرند. این طرح همچنین فلسطینیان را ملزم می‌کند که مسئولیت امنیت و کنترل بر تمام فضای هوایی غرب رود اردن را به رژیم صهیونیستی اعطا کنند. علاوه بر این، دولت فلسطین مسئول سرکوب جنبش‌های مقاومت فلسطین خواهد بود، امری که می‌تواند به معنای جنگ داخلی بین فلسطینیان باشد (Farrell, 2020: 2).

این امر در دوره تصدی قدرت احزاب صهیونیستی تندرو و به‌خصوص در دوره نتانیاهو که راست‌گراترین دولت در تاریخ رژیم صهیونیستی را تشکیل داده، شدت بیشتری به خود گرفته است. در این دوره، رقبای سیاسی او خواهان ترک راه‌حل دو کشور هستند. حامیان او می‌خواهند شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری را گسترش دهد و زمین‌های بیشتری را از تصرف فلسطینی‌ها خارج کند (Lake, 2017: 2). از این‌رو سیاست ایران‌هراسی، می‌تواند با به حاشیه بردن موضوع فلسطین، زمینه مناسبی را برای سیاست‌های تجاوزکارانه در سرزمین‌های اشغالی فراهم آورد.

۲-۳. کاهش حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی ایران به عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت و به حاشیه بردن این کشور از مناسبات منطقه

هدف بعدی رژیم صهیونیستی برای در پیش گرفتن سیاست ایران‌هراسی، در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت و به حاشیه بردن این کشور از مناسبات منطقه است. در واقع این هدف، مکمل هدف اول رژیم صهیونیستی‌ها یعنی فراموشی مسئله فلسطین و تداوم سیاست توسعه طلبی است. رژیم صهیونیستی‌ها می‌دانند، جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌نماید تا مشروعیت این رژیم را در سرتاسر جهان از بین برده و جبهه مقاومت را در برابر جبهه سازش برای مقابله با هرگونه توافق صلح با رژیم صهیونیستی ایجاد و هدایت نماید. رژیم صهیونیستی نیز کارزار ایران‌هراسی و فشار بر ایران را طی سال‌های اخیر با تأکید بر تهدید برنامه هسته‌ای ایران به راه انداخته است (راهبرد پسابرجام رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۵: ۱۰).

رقابت رژیم صهیونیستی و ایران در سال‌های اخیر به سمت تقابل پیش رفته و این قابلیت را پیدا کرده که منجر به درگیری مستقیم نظامی شود. ایران، رژیم صهیونیستی را به عنوان یک رقیب منطقه‌ای می‌بیند که قصد تضعیف و ضربه زدن به نظام انقلابی آن را دارد. رژیم صهیونیستی نیز ایران را چالش امنیتی غالب خود می‌داند که می‌تواند چالش‌های جدی استراتژیک و ایدئولوژیک را برای دولت یهود ایجاد کند. در سال‌های اخیر دغدغه رژیم صهیونیستی مبنی بر اینکه تحولات منطقه ممکن است به نفع ایران تمام شود و نفوذ منطقه‌ای آن را افزایش دهد، نگرانی‌های رژیم صهیونیستی را عمیق‌تر کرده است (Roshan, 2019).

این امر در سال‌های اخیر و در سایه تحولات منطقه و توافق هسته‌ای موسوم به «برجام» در دوره «باراک اوباما» با توجه به حاکمیت دموکرات‌ها در آمریکا و نگاه ویژه آن‌ها به مسائل منطقه، و شکل‌گیری احساس نگرانی در رژیم صهیونیستی و عربستان تشدید گردید. هر دوی آن‌ها (عربستان و رژیم صهیونیستی) در موضوع برجام دارای اتفاق نظر بوده و از اعاده روابط تهران با جهان احساس تهدید می‌کنند و از وقتی اهدافشان در کنار هم قرار گرفته هم‌سویی سیاسی آن‌ها در زمینه ایران‌هراسی برای در انزوا قرار دادن ایران در مناسبات منطقه بیشتر شده است. البته موضوع مهم‌تر برای رژیم صهیونیستی، عادی‌سازی روابط این رژیم با کشورهای عرب منطقه و دور کردن آن‌ها از ایران است. در این خصوص بایستی در نظر داشت که تحولات اخیر منطقه در دهه دوم قرن بیست و یکم، روند گرایش برخی از کشورهای منطقه را به سمت رژیم صهیونیستی وارد



مرحله جدیدی نموده است و برخی کشورهای منطقه جهت ایجاد مفری برای خود، حرکت به سمت رژیم صهیونیستی را انتخاب کرده‌اند (ایرانی، ۱۳۹۴: ۱۷). حتی بخشی از جنبش‌های مقاومت فلسطین به جبهه مقابل یعنی سازش پیوسته است (مرادی، ۱۳۹۳: ۵۰). بعد از سقوط رژیم‌های سیاسی در عراق و مصر و جنگ داخلی در سوریه، تلاش عربستان برای رهبری جهان عرب مضاعف گردیده است. عربستان سعودی به‌عنوان نماد تفکر کشورهای عربی متأثر از سیاست‌های ایران‌هراسی، روند سازش با رژیم صهیونیستی برای تضعیف جبهه مقاومت را در پیش گرفته است. عربستان هم‌زمان با تلاش برای کاهش تهدیدات داخلی و تثبیت جایگاه منطقه‌ای، حرکت به سمت رژیم صهیونیستی را در پیش گرفته است. تا جایی که این کشور در راستای تقویت موضع خودش هم‌سویی سیاسی - امنیتی با رژیم صهیونیستی را در سیاست ایران‌هراسی در پیش گرفته است (ایرانی، ۱۳۹۴: ۱۷). ایران‌هراسی رژیم صهیونیستی، عربستان را در وضعیتی قرار داده که بسیاری از تحلیلگران مصری معتقدند روابط غیر رسمی عربستان با رژیم صهیونیستی - از ترس ایران - از روابط رسمی مصر با این رژیم صهیونیستی بیشتر است. این امر به نمازهای جماعت عربستان نیز گسترش پیدا کرده و امام جماعت مکه در خطبه‌های خود تهدید ایران را بیشتر از رژیم صهیونیستی دانست (مرادی، ۱۳۹۳: ۴۹).

۳-۳. متقاعد کردن آمریکا و اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای

پروژه ایران‌هراسی هسته‌ای، در راستای متقاعد کردن آمریکا و اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به ایران در موضوع هسته‌ای با هماهنگی مسئولان سیاسی - امنیتی رژیم صهیونیستی و رسانه‌های تحت نفوذ آن‌ها در حال اجراست. مسئولان رژیم صهیونیستی هم‌زمان با شروع توافق هسته‌ای (برجام) اعلام نگرانی کردند که این توافق به ایران امکان حفظ توانمندی آستانه هسته‌ای را داده است، وضعیتی را برای ایران به وجود آورده که این کشور می‌تواند با کنار رفتن تحریم‌ها، فناوری اروپایی و شرقی را برای پیشرفت خود به‌عنوان یک قدرت صنعتی به خدمت بگیرد و در عین حال سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در منطقه را حفظ کند.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در راستای هم‌سو کردن غربی‌ها با خود، با برجسته نمودن تهدید هسته‌ای و موشکی ایران، بیان نمود که «ایرانی‌ها موشک‌های بالستیک



می‌سازند که به آن‌ها امکان می‌دهد ظرف چند سال آینده بتوانند به خاک آمریکا برسند. آن‌ها همچنین مسیر دیگری را نیز برای تولید پلوتونیوم پیموده‌اند. به این ترتیب، آن‌ها در یک مسیر اورانیوم را غنی‌سازی می‌کنند تا بمب بسازند و در مسیر دیگر پلوتونیوم تولید می‌کنند و همچنین موشک‌های بالستیک قاره پیما می‌سازند که شما را هدف قرار دهند. آن‌ها هم اکنون برد کافی برای هدف قرار دادن ما را دارند» (Roshan, 2019). «سیلوان شالوم» معاون نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز با برجسته نمودن خطر ایران، آن را خطر بزرگ‌تر (نسبت به داعش و حماس) برای موجودیت اروپا و رژیم صهیونیستی بر شمرد. شالوم، ایران را متهم به ساختن موشک‌های جدیدی با بردی بسیار بیشتر از موشک‌های قبلی نمود که برد آن تا پایتخت همه کشورهای اروپایی خواهد رسید. او با ابرقدرت خواندن ایران، مدعی شد «تهران به ۳۰ گروه تروریستی در سراسر جهان کمک مالی می‌کند و توافق هسته‌ای با ایران موجب صلح و امنیت در منطقه نخواهد شد».

جوسازی منفی و هراسناک از ایران توسط رژیم صهیونیستی درباره پرونده هسته‌ای ایران تا حدی بود که نخست وزیر این رژیم از اقدامات گروه ۵+۱ برای دستیابی به توافق هسته‌ای ابراز نارضایتی شدید کرد و خواستار برخورد جدیدی تر جامعه جهانی با ایران گردید (متقی، ۱۳۹۴: ۱۵۵). در طول مذاکرات هسته‌ای ایران با اعضای ۵+۱ نیز نخست وزیر این رژیم صهیونیستی با اشاره به ناکارایی تحریم‌ها، خواهان راه‌حلی فوری (تهدید و اقدام نظامی) برای مقابله با برنامه‌های آتی ایران گردید. همچنین با آغاز مذاکرات گروه ۵+۱ با تیم ایرانی برای برداشته شدن تحریم‌ها، رژیم صهیونیستی به همراه عربستان سعودی و برخی از کشورهای منطقه تلاش کردند تا این مذاکرات به شکست بینجامد (مهر عطا، ۱۳۹۵: ۱۲۹). اما روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، مسئولان رژیم صهیونیستی به مهم‌ترین هدف خود یعنی خروج آمریکا از برجام و تلاش برای ضربه زدن به آن رسیدند. ترامپ که مخالفت خود با توافق هسته‌ای را حتی در زمان انتخابات ریاست جمهوری بیان نموده بود، در سال دوم ریاست جمهوری خود، رسماً آمریکا را از برجام خارج نمود. مبارزه ضد ایرانی ترامپ به همین‌جا ختم نشد و واشینگتن حتی پس از ترک توافق برجام، سعی در افزایش بیشتر موانع اقتصادی و تجاری ایران کرد و بر شدت تحریم‌های ثانویه افزود. روند این فشار حداکثری به شکلی دنبال شد که به گفته مقامات آمریکایی، طی سال‌های اخیر بی‌سابقه‌ترین مجازات جهانی علیه ایران اعمال شده است. همین فشارها باعث شده است که حتی برخی از امضاکنندگان توافق هسته‌ای، به‌ویژه اروپایی‌ها، شجاعت لازم برای انجام تعهدات خود و برآورده



کردن منافع ایران در برجام را نداشته باشند و در عمل این توافق‌نامه فواید اقتصادی خاصی برای ایران به همراه نیاورد (IRNA, Jul 24, 2019). علاوه بر این، دولت آمریکا از همه ابزارهای در اختیار، از جمله متحدین منطقه‌ای خود نیز برای پیشبرد سیاست فشار حداکثری استفاده نموده است. با این حال، به رغم موفقیت آمریکا در کسب اهرم اقتصادی بزرگی از گذر کارزار فشار حداکثری، کاخ سفید نتوانست ایران را وادار به گفت‌وگوی دوباره بر سر توافق هسته‌ای کند. ایران ثابت کرد که بیش از آنچه کاخ سفید و رژیم صهیونیستی پیش‌بینی می‌کردند، مقاوم است و به‌نوبه خود با «مقاومت حداکثری» واکنش نشان داد. اکنون درحالی‌که ترامپ کاخ سفید را ترک می‌کند، ایران به نقطه گریز هسته‌ای نزدیک‌تر شده است.

۳-۴. ترس رژیم صهیونیستی از تهدید ناشی از ایران هسته‌ای

طی چند دهه اول پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین دغدغه برای این رژیم موجودیت و بقا بوده است (زرگر، ۱۳۹۴: ۶۲). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز، هراس و ترس شدید رژیم صهیونیستی از تداوم موجودیت و بقای خود، یکی از بخش‌های محوری شکل‌دهنده به تمامی راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای این رژیم بوده است. زیرا، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، ایران، رژیم صهیونیستی را رژیم نامشروع و جعلی دانسته و به روابط نظام پادشاهی پهلوی با آن پایان داد و کشورهای مختلف اسلامی را به قطع ارتباط با این رژیم تشویق نمود. رژیم صهیونیستی‌ها نیز با درک ماهیت ضد صهیونیستی انقلاب اسلامی ایران از هیچ تلاشی برای تضعیف و نابودی نظام اسلامی دریغ نورزیده‌اند. از این‌رو، رژیم صهیونیستی ایران را یک تهدید وجودی، ماهوی و نابودگر برای خود تلقی می‌کند (راهبرد پسابرجام رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۵: ۹).

در اواسط دهه ۱۹۹۰، رژیم صهیونیستی با شدت بیشتری بر روی جمهوری اسلامی تمرکز کرد؛ زیرا جمهوری اسلامی توسعه فناوری هسته‌ای و موشک‌های دوربرد خود را شروع کرده بود و به گفته یکی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان رژیم صهیونیستی، توسعه چنین توانایی‌هایی نقطه عطفی در دیدگاه‌های جامعه نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی درباره ایران را شکل داد. یک مقام رژیم صهیونیستی این عقیده را داشت، که این رژیم با تهدید ایران در دهه ۱۹۹۰ بیدار شد. همان‌طور که ایران با برنامه‌های موشکی و هسته‌ای خود به جلو حرکت می‌کند. از جمله موشک‌هایی با برد بلند می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی تهدید کند (Keinon, 2018). از دید حاکمان



رژیم صهیونیستی، ظهور ایران مسلح به توان هسته‌ای در آینده می‌تواند ضمن تغییر موازنه قدرت چشم‌انداز درگیری مستقیم مسلحانه بین دو کشور را افزایش دهد. [ترس رژیم صهیونیستی از ایران هسته‌ای به اندازه‌ای است] که ممکن است حمله به مراکز هسته‌ای ایران را در تلاش برای جلوگیری یا به تأخیر انداختن چنین توسعه‌ای انتخاب کند. از دید آن‌ها، یک ایران مسلح به سلاح هسته‌ای ممکن است رژیم صهیونیستی را به‌عنوان اصلی‌ترین رقیب منطقه‌ای شناخته و در صورت درگیری مسلحانه بتواند توانایی هسته‌ای خود را علیه رژیم صهیونیستی عملیاتی نماید. حتی اگر ایران قصد استفاده از سلاح هسته‌ای علیه رژیم صهیونیستی را نداشته باشد، با تشدید بحران‌های منطقه، احتمال محاسبه غلط زیاد است (Roshan, 2019). این رژیم که تنها دارنده تسلیحات هسته‌ای در منطقه است همواره رعب دستیابی به این تسلیحات را توسط سایر رقبای خود در منطقه داشته است. مسئولان این رژیم با این دیدگاه که ایران هسته‌ای، تهدیدی مستقیم علیه بقا و موجودیت رژیم صهیونیستی است، به‌شدت مخالف دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای نظامی هستند. آن‌ها با این ادعا که ایران حداقل، برای کسب موازنه با رژیم صهیونیستی قصد ساخت سلاح‌های هسته‌ای را دارد، خواهان توقف برنامه هسته‌ای ایران هستند. از نگاه صهیونیست‌ها دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای نظامی، آن‌ها را با قواعد بازی جدیدی در خاورمیانه مواجه خواهد کرد و برتری استراتژیک خود که طی دهه‌های گذشته در قبال کشورهای اسلامی و عربی داشته‌اند را از دست خواهند داد. به همین دلیل، هرچند برجام با به تأخیر انداختن تهدید هسته‌ای، فضا را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داد تا توجه خود را به چالش فوری و رایج‌تری که این کشور از ایران با آن روبه‌رو است، یعنی نفوذ فزاینده آن در سوریه، معطوف کند اما همچنان مخالف سرسخت این توافق بوده و از خروج ایالات متحده از این توافق حمایت همه‌جانبه نمود (Dassa Kaye, 2020). یکی از دلایل ترس رژیم صهیونیستی از ایران هسته‌ای این است که جمهوری اسلامی می‌تواند حذف زرادخانه هسته‌ای خود را منوط به اقدام مشابه دولت رژیم صهیونیستی کند. ضمن اینکه دستیابی ایرانی‌ها به سلاح هسته‌ای احتمالاً منجر به یک رویکرد جدید دیپلماتیک با آمریکا شود که این مسئله منافع رژیم صهیونیستی با خطر جدی مواجه می‌کند (Howard, 2015: 2).

یکی دیگر از دلایل اتهامات دروغین علیه ایران به‌عنوان تولیدکننده سلاح هسته‌ای، به این علت است که دولت رژیم صهیونیستی می‌ترسد ایران بتواند توازن قوا در خاورمیانه را تغییر دهد و این کشور را مجبور به رعایت حقوق فلسطینیان کند (Ayoubi, 2019: 3).

بنابر این، ترس رژیم صهیونیستی از ایران هسته‌ای باعث گردیده این رژیم همواره سعی نموده تا به اشکال مختلف (از جمله خرابکاری و ایجاد مشکل برای مراکز هسته‌ای در ایران، برنامه‌ریزی ترور دانشمندان هسته‌ای و تهدید آن‌ها، فعالیت گسترده لابی صهیونیستی در آمریکا و اروپا در قبولاندن صلح‌آمیز نبودن برنامه هسته‌ای ایران و در نتیجه اعمال فشار بر این کشور) مانع پیشرفت و توسعه برنامه هسته‌ای ایران شود.

۳-۵. مظلوم نمایی در راستای گرفتن امتیازات بیشتر از ایالات متحده و کشورهای

غربی

اشاعه «ایران‌هراسی» و مظلوم نمایی، همواره پای ثابت اظهارات رسمی و غیر رسمی سردمداران رژیم صهیونیستی و بخش اصلی تمامی فعالیت‌های رسانه‌های صهیونیستی سرتاسر جهان علیه ایران بوده است. در سایه مظلوم نمایی و ایجاد جو هراس از ایران در کشورهای منطقه، این رژیم توانسته است امتیازات (سیاسی، اقتصادی و نظامی) بی‌شماری از ایالات متحده و کشورهای غربی بگیرد و اقدامات غیرقانونی فراوانی در ارتباط با نقض قوانین و قواعد بین‌المللی در سرزمین‌های اشغالی و خارج از آن انجام دهد که مهم‌ترین آن‌ها سیاست شهرک‌سازی و نقض حقوق فلسطینیان بوده است. این رژیم در کنار توهم پراکنی در مورد خطر قریب‌الوقوع ایران برای منطقه و جهان و القای خطر تهدید موشکی ایران برای تأسیسات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه و قسمت وسیعی از اروپا، از یک‌سو از چشم نهادهای بین‌المللی و مردم منطقه دورمانده و سیاست‌های تجاوزکارانه خود را ادامه می‌دهد و از سوی دیگر سیل اعانه‌های مالی و نظامی را به‌سوی رژیم صهیونیستی سرازیر کرده است (zionism.pchi.ir).

۳-۶. استفاده از ابزار ایران‌هراسی هسته‌ای برای رقابت‌های سیاسی داخلی رژیم

صهیونیستی

ایجاد هراس برای یهودیان نیز راه دیگری است که رژیم صهیونیستی بقای خود را به آن وابسته می‌بیند. تبلیغ و تکرار دائمی مسئله هولوکاست و بازگویی و یادآوری بزرگنمایی شده آن به‌عنوان ابزاری برای به وجود آوردن یک ذهنیت تاریخی تلخ و ترسان در میان یهودیان استفاده می‌شود. رژیم صهیونیستی برای صهیونیست‌ها یک هولوکاست دائمی ذهنی ساخته است که خود را در آن



زندانی می‌بینند و در اذهان آن‌ها برای توجیه تجاوزگری و ضرورت جنگ افروزی این رژیم، جلوگیری از واقعیت پیدا کردن این رؤیا کافی است. در واقع، علی‌رغم اختلاف نظر بین نخبگان امنیتی رژیم صهیونیستی در مورد هر موضوع وابسته به امنیت ملی، اما در مورد شدت چالش ایران تقریباً بین آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد. با این اوصاف، شکاف‌های داخلی هنگامی شروع می‌شوند که در ارزیابی‌های مختلف، سیاست رژیم صهیونیستی در مورد چگونگی پاسخ به ایران و برنامه هسته‌ای آن ظاهر می‌شود. این تقسیمات نشان می‌دهد که چگونه عوامل داخلی، به‌ویژه نظرات رهبران برجسته رژیم صهیونیستی، محرک مهمی در درک رژیم صهیونیستی‌ها از ایران طی سال‌های آینده بوده و همچنین کشورهای غربی را وادار به موضع‌گیری در قبال ایران نموده است. امروزه بسیاری در رژیم صهیونیستی، ایران را به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن خود می‌دانند و معتقدند که ظهور رهبران تندرو در ایران با موضع‌گیری‌های خصمانه نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی نسبت به دولت یهود، حتی می‌تواند دیدگاه کشورهای هم‌سو با ایران را نیز نسبت به این رژیم در آینده تغییر دهد (Sachs, 2018: 2-3).

در این میان، برجسته کردن تهدید ایران و ایران‌هراسی هسته‌ای نیز از جمله موضوعاتی است که سیاست‌مداران و احزاب تندرو در رژیم صهیونیستی از آن برای رقابت‌های سیاسی داخلی نیز از آن بهره‌فراوانی می‌برند. از دیدگاه رهبران این رژیم، ظرفیت موشکی و هسته‌ای در حال گسترش ایران و شبکه شرکای شبه نظامی غیردولتی آن تهدیدی جدی محسوب می‌شود. حمایت گذشته ایران از حملات ضد رژیم صهیونیستی در داخل خود رژیم صهیونیستی و علیه رژیم صهیونیستی‌های خارج از کشور، همراه با سخنان التهابی و تلاش برای «پاک کردن رژیم صهیونیستی از نقشه جهان»، تهدید ایران را در روح و روان شهروندان رژیم صهیونیستی بیشتر می‌کند که نامزدها از آن به‌عنوان ابزار تبلیغاتی در مبارزات انتخابات این رژیم استفاده می‌کنند (Dassa Kaye, 2020).

۳-۲. سرپوش گذاشتن رژیم صهیونیستی بر برنامه هسته‌ای نظامی خود

تلاش رژیم صهیونیستی برای دستیابی به فناوری و سلاح هسته‌ای از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۸ آغاز شده است. بسیاری از دانشمندان یهودی در دهه سی و چهل میلادی به فلسطین مهاجرت کردند، به‌ویژه «ارنست دیوید برگمن». وی مدیر کمیسیون انرژی اتمی رژیم صهیونیستی



و بنیان‌گذار تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای شد. برگمن، دوست نزدیک و مشاور نخست وزیر اول رژیم صهیونیستی یعنی دیوید بن گوریون بود. او توصیه کرد که انرژی هسته‌ای می‌تواند منابع طبیعی ضعیف و نیروی انسانی کوچک رژیم صهیونیستی را جبران کند (Farr, 2013). دیوید بن گوریون، اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی، به‌طور مخفیانه برنامه سلاح‌های هسته‌ای را در اواسط تا اواخر دهه ۱۹۵۰ با کمک فرانسه ایجاد کرد (Avner, 1998: 54). این برنامه در مرکز تحقیقات هسته‌ای نقب^۱، نزدیک شهر دیمونا متمرکز است، جایی که یک راکتور تولید پلوتونیوم از طریق فرانسه در اوایل دهه ۱۹۶۰ ایجاد شد. رژیم صهیونیستی در اواخر ماه مه ۱۹۶۷ در آستانه جنگ شش روزه، اولین دستگاه‌های هسته‌ای ابتدایی خود را مونتاژ کرد (Avner, 2007: 37). بر اساس برآورد تقریبی صورت گرفته از ظرفیت تولید پلوتونیوم راکتور دیمونا، اعتقاد بر این است که رژیم صهیونیستی تا سال ۲۰۱۳ حدود ۸۴۰ کیلوگرم پلوتونیوم درجه سلاح تولید کرده است، که برای زرادخانه ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای کافی است (International Panel on Fissile Material's estimate, 2013).

البته رژیم صهیونیستی به‌طور رسمی، هیچ‌چیز واقعی در مورد توانایی‌های سلاح هسته‌ای خود تصدیق نکرده و صرفاً اعلام کرده است اولین کسی نخواهد بود که سلاح هسته‌ای را به خاورمیانه وارد می‌کند. درحالی‌که این رژیم از چشم‌انداز خاورمیانه‌عاری از سلاح هسته‌ای حمایت کرده است، همچنان عضو NPT نیست و مسئولان این رژیم اظهار داشته‌اند، که صلح جامع در منطقه پیش‌شرط مذاکره برای سلاح‌های کشتار جمعی خاورمیانه است (Global Security Newswire, 2012). اظهارات رسمی مقامات رژیم صهیونیستی در مورد برنامه‌ها و اهداف خود در مورد داشتن سلاح هسته‌ای اغلب مبهم بوده و اطلاعات قطعی کمی را ارائه می‌دهد. علاوه بر آن، امکان بازرسی بین‌المللی از تأسیسات این رژیم وجود ندارد و [در موارد متعددی] اعتبار پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را در منطقه تضعیف نموده است. به‌عنوان مثال، بمباران راکتور هسته‌ای عراق، که تحت پادمان‌های آژانس انرژی هسته‌ای بود نمونه‌ای از این اقدامات است (Burr, 2016). بنابر این، رژیم صهیونیستی علی‌رغم اینکه اکثر مطالعات انجام شده، رژیم صهیونیستی را ششمین کشور جهان می‌شناسد که به بمب اتم دست یافته و چهارمین دارنده سلاح هسته‌ای جهان امروز همراه با

1. Negev



هند، پاکستان و کره شمالی است که «معاهده منع، تولید و استفاده از سلاح‌های اتمی» را امضا نکرده است، برای سرپوش گذاشتن این رژیم بر برنامه هسته‌ای نظامی خود، سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای را در پیش گرفته است.

۳-۸. ایجاد فضای بین‌الادھانی مورد نیاز برای همگرایی در جامعه داخلی رژیم

صهیونیستی

به‌طور کلی، نگرانی رژیم صهیونیستی در مورد ایران به‌طور صرف به برنامه هسته‌ای مربوط نشده، بلکه از نفوذ و محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در میان مردم منطقه و حتی اعراب داخل سرزمین‌های اشغالی هراس دارند، به‌گونه‌ای که از آن به‌عنوان زنگ خطری برای موجودیت این رژیم یاد می‌کنند. به گفته آن‌ها در میان شهروندان عرب رژیم صهیونیستی که یک میلیون نفر بوده و ۱۵ درصد از جمعیت این رژیم را تشکیل می‌دهند، حمایت گسترده‌ای از ایران وجود دارد که آژانس امنیتی رژیم صهیونیستی نیز از این محبوبیت به‌شدت ابراز نگرانی کرده است. از این‌رو، از سیاست ایران‌هراسی هسته‌ای در راستای ایجاد ترس و تهدید از ناحیه ایران برای تمامی ساکنان سرزمین‌های اشغالی و در نتیجه همگرایی و هم‌سویی آن‌ها در مقابل دشمن مشترکشان (یعنی ایران) بهره می‌برند. مقامات رژیم صهیونیستی معتقد به ثمربخش بودن اشاعه وحشت و هراس در جامعه داخلی رژیم صهیونیستی و ملل دیگر از برای دستیابی به بازدارندگی بوده و «ترسیدن» مردم را ابزار اصلی کسب مشروعیت جهت انجام حملات پیشگیرانه و ماجراجویی‌های سیاسی و نظامی بین‌المللی خود و هم‌زمان کاهش زمینه‌های واگرایی در سرزمین‌های اشغالی می‌پندارند. راست‌گرایان و چپ‌گرایان صهیونیست در اتخاذ این راهبرد عملکرد یکسانی داشته و نسخه مرجع برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های این رژیم مبتنی بر اصل «ترسان و حکومت کن» بوده است. بسیاری از صهیونیست‌های یهودی تمایل همشهریان عرب خود برای کنار آمدن با این رژیم را زیر سؤال می‌برند. صهیونیستیان عرب اغلب به‌عنوان یک تهدید امنیتی و بمب ساعتی سیاسی - جمعیتی تلقی می‌شوند. با ادعای همکاری صهیونیستیان عرب و سازمان‌های مبارز فلسطینی از زمان انتفاضه، این تصورات بیشتر تقویت شده است. برعکس، شهروندان فلسطینی رژیم صهیونیستی کشوری را درک می‌کنند که در بیشتر موارد تمایلی به احترام به حقوق فردی آن‌ها و یا به رسمیت شناختن هویت جمعی آن‌ها ندارد و در عوض می‌خواهد وزن سیاسی و حضور جمعیتی آن‌ها را



محدود کند. افزایش سیاست‌های افراط‌گرایانه این رژیم، همراه با قوانین خصمانه و مشارکت احزابی که علناً از انتقال شهروندان عرب به خارج از مرزهای رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، تنش‌ها را بیشتر کرده است (Brussels, 2017).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از دیدگاه الکساندر ونت، هویت دولت‌ها تعیین‌کننده سیاست خارجی آن‌هاست. به اعتقاد وی، هر کدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل به مانند افراد در جامعه داخلی، نوعی هویت دارند که به رفتار آن‌ها در نظام بین‌الملل شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. هویت، خصوصیتی است که دولت‌ها به‌عنوان کنشگران نیت‌مند دارند و موجد تمایلات انگیزشی و رفتاری آن‌ها است. به تعبیر روشن‌تر، هویت یک ویژگی ذهنی در سطح واحد است که ریشه در فهم کنشگران از خود و دیگران دارد.

با توجه به نوع و شرایط شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در منطقه و سیر تحولات پیش آمده، مسئولان رژیم صهیونیستی در چند زمینه احساس نگرانی می‌کنند: ۱. افزایش فشارهای جهانی بر رژیم صهیونیستی به دلیل نادیده گرفتن حقوق مشروع فلسطینیان؛ ۲. افزایش منزلت و قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه؛ ۳. ترس از برهم خوردن موازنه قدرت در مقابل ایران؛ ۴. تغییر نگرش جهانی نسبت به ایران؛ ۵. کاهش مقبولیت و بحران مشروعیت نظام سیاسی در داخل این کشور؛ ۶. تهدید نسبت به بقای این رژیم.

از این‌رو با نگرش حاکم بر مسئولان این رژیم و در راستای فائق آمدن بر نگرانی‌های یاد شده، آن‌ها در گام اول راهبرد «ایران‌هراسی و به‌خصوص ایران‌هراسی هسته‌ای را متناسب با رویکرد دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از ایران (معرفی ایران به‌عنوان دشمن کشورهای عرب سنی منطقه و هویت و ارزش‌های غربی)» را در پیش گرفته‌اند. مطرح نمودن و تکرار تهدید ایران هسته‌ای در کشورهای عرب سنی منطقه و حتی در بین کشورهای غربی و برجسته نمودن تهدید ایران هسته‌ای از جمله اقدامات رژیم صهیونیستی در راستای ذهنیت‌سازی منفی از ایران و تشدید موج ایران‌هراسی برای هم‌سو نمودن جوامع و دولت‌های غربی و عربی بر ضد ایران است.

رژیم صهیونیستی می‌خواهد جامعه جهانی را در جهان پس از ۱۱ سپتامبر متقاعد کند که سیاست‌های فلسطین، لبنان، عراق و یمن صرفاً یک نمایش عروسکی است که ایران مجری آن است و این موضوع می‌تواند برای امنیت این رژیم و حتی منطقه و جهان خطرناک باشد. درحالی‌که برخلاف نظر صهیونیست‌ها، حزب الله، حماس، حشد الشعبی و انصارا... جنبش‌های مردمی هستند که می‌خواهند از حق رأی و حق تعیین سرنوشت در سیاست جوامع خود برخوردار باشند. این در حالی است که صهیونیست‌ها با همکاری عربستان سعودی و برخی از کشورهای منطقه همواره کوشیده‌اند که ضمن اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، این کشور را محکوم به مداخله در لبنان، عراق، بحرین، یمن و حتی مناطق شیعه‌نشین عربستان سعودی نمایند تا با سیاست فرافکنی عامل ناامنی‌ها و بحران‌ها در منطقه را ایران معرفی نمایند و با استفاده از واژه‌هایی مانند مداخله‌جو، اشغالگر و فتنه‌جو در ادبیات سیاسی خود علیه ایران به تخریب جایگاه ایران در اذهان عمومی منطقه بپردازند.

رژیم صهیونیستی، با استفاده از ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی گسترده پروژه ایران‌هراسی را در زمینه‌های تخریب جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت و ذهنیت‌سازی منفی از برنامه هسته‌ای ایران را در پیش گرفته است. در همین راستا، مسئولان رژیم صهیونیستی با ذهنیت‌سازی منفی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ظهور این کشور به عنوان یک کشور که در تلاش برای دستیابی به هسته‌ای است را چالش امنیتی بزرگی برای منطقه معرفی کرده‌اند و این امر را به این صورت مطرح می‌کنند که: «نگران هستند ایران مسلح به سلاح‌های اتمی و در نتیجه مصون از یک حمله، ظهور و قابلیت خود را به عنوان هژمونی بلامنازع در منطقه داشته باشد. به عبارت دیگر، ایران با داشتن زرادخانه هسته‌ای می‌تواند به اندازه کافی جسارت برای تقویت نفوذ خود در منطقه از یک قوس استراتژیک از کوه‌های هندوکش در افغانستان تا سواحل دریای مدیترانه در لبنان را داشته باشد» (Aneja, 2014: 92).

در حالی است که ایران اجرای ناسازگار مقررات منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط ایالات متحده در مورد رژیم صهیونیستی را مشاهده می‌کند و به دنبال از بین بردن این تبعیض‌ها است و نه تهاجم به کشورهای دیگر. حتی طبق نظر برخی از کارشناسان رژیم صهیونیستی احتمال اینکه ایران در واقع سلاح‌های هسته‌ای خود را علیه این رژیم به کار گیرد بسیار کم است. همچنین ایران مبارزات تحت هدایت ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای خود را مانند پژواک شرکت‌های



استعماری گذشته می‌داند که کشور را در وضعیت توسعه نیافتگی ساختاری نگه داشته است و در تلاش است تا این روند وابستگی به غرب را از بین ببرد. ایران همدستی رژیم صهیونیستی با سیاست‌های سرکوبگرانه شاه را فراموش نمی‌کند، چراکه غرب‌زدگی ایران در زمان شاه بخشی از حلقه بیرونی رژیم صهیونیستی در کشورهای غیرعربی خاورمیانه بود که برای مقابله با گسترش رادیکالیسم عرب و نفوذ شوروی لازم بود.

رژیم صهیونیستی که همواره ایران‌هراسی را در منطقه و جهان تبلیغ می‌کند، این موضوع مهم را بیان نمی‌کند که ایران دارای بزرگ‌ترین جامعه یهودی تا حد زیادی مرفه در خاورمیانه است و بسیاری از ایرانیان یهودی نمی‌خواهند ایران را ترک کنند. تبعیض گذشته توسط این رژیم در حق یهودیان ورودی از ایران به رژیم صهیونیستی اگر نگوییم نژادپرستی صریح، اما یکی از شاخصه‌های تأثیرگذاری است که برای درک معنای نگرش آن‌ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و قابل کتمان نیست. هراس‌های ضد ایرانی رژیم صهیونیستی به یک اندازه از نگرانی‌های داخلی در مورد هویت‌های قومی و مذهبی دولت یهودی و نگرانی‌های استراتژیک اغراق‌آمیز از دوران گذار «جنگ با تروریسم» ناشی می‌شود.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد، وجود یک دشمن یا تهدید خارجی همواره از طریق ایجاد یک هویت در مقابل هویت دیگر به حفظ وحدت و همبستگی آن کشور کمک می‌کند. در مورد رژیم صهیونیستی نیز که یک رژیم نژاد پرست و هویتی بوده و از ابتدای تأسیس در تلاش برای هویت‌سازی بوده و در سیاست خارجی خود نیز هویتی برخورد کرده است، همین امر صادق است. در این ارتباط، با توجه به اینکه ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی قبل از شکل‌گیری یک ملت با هویت خاص آن شکل گرفته است؛ [یعنی دولت‌سازی قبل از ملت‌سازی به وقع پیوسته] از این‌رو سیاستمداران این رژیم به دنبال پیگیری سیاست «هویت‌سازی» با هدف «شناسایی» و انباشت قدرت، بهبود توانمندی و کارآمد نشان دادن نظام سیاسی این کشور می‌باشند. از این‌رو، هویت‌سازی پیوند تنگاتنگی با علت وجودی این کشور دارد و تکرار ادعای «تهدید ایران هسته‌ای و تهدید بودن ایران شیعه برای قوم یهود» و «در پیش گرفتن ادبیات تهاجمی در مقابل ایران» به‌نوعی در راستای شناخته شدن و کسب هویت سیاسی در داخل و مظلوم نمایی در خارج این کشور است.



مسئولان این رژیم، بعد از شکل‌گیری توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ نیز با استفاده از تداوم ایران‌هراسی، تلاش خود را به کار بستند تا فشارهای بین‌المللی به‌خصوص از ناحیه آمریکا و اروپا بر برنامه هسته‌ای تداوم پیدا نماید. تصویرسازی از ایران به‌عنوان دشمن مشترک بازیگران گوناگون منطقه‌ای، نزدیکی به اعراب و تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های ضد ایرانی در منطقه نیز بخش مهمی از جورچین صهیونیست‌ها علیه ایران بوده و خواهد بود. تداوم بخشیدن به جنگ‌های داخلی در حوزه‌های نفوذ ایران و حمایت از معارضان و گروه‌های تکفیری- تروریستی در سوریه و عراق و لبنان و یمن و تلاش برای مهار ایران در منطقه گزاره‌های دیگری از این راهبرد صهیونیستی در سال‌های اخیر بوده است.

البته بایستی در نظر داشت، شرایطی که رژیم صهیونیستی به‌واسطه درک تهدید از بازگشت ایران به‌عنوان یک کشور ایدئال و احیای روابط با جهان، با استفاده از ابزار ایران‌هراسی به دنبال تشدید فشار و تحدید نفوذ ایران است، درک نارضایتی از اقدامات رژیم صهیونیستی بر ضد از فلسطینیان در جهان در حال شکل‌گیری است و راهبرد ایران‌هراسی و ایران‌هراسی هسته‌ای این رژیم، از بار فشارهای بین‌المللی به این رژیم برای پایان دادن به توسعه‌طلبی در اراضی فلسطینی نخواهد کاست. به‌طورکلی، تهدیدهای مناقشه برانگیزی که رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی به‌طور مداوم انجام می‌دهد، بیانگر احساسات واقعی آسیب‌پذیری این رژیم است که در تاریخ مربوط به صهیونیسم لنگر انداخته است.



فهرست منابع

- احمدی، بهزاد (۱۳۹۴)، *فضای پسا برجام و راهبرد سیاست خارجی ایران: منطقه‌گرایی یا جهان‌گرایی*، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- آفا حسینی، علیرضا؛ مهدیان، حسین (۱۳۹۴)، *تحلیل سازه‌نگاری تکرار ادعاهای امارات متحده عربی در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی*، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره دوم.
- ایرانی، محمد (۱۳۹۴)، *رویکردهای جدید رژیم صهیونیستی در جبهه عربی، همایش تحلیل کنشگری رژیم صهیونیستی و در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی دی‌ماه ۱۳۹۴.
- رستمی، فرزاد؛ طباحی ممقانی، محمد جواد (۱۳۹۰)، *بررسی الگوی امنیتی منطقه خلیج فارس؛ پیشنهادها و راهکارها*، فصلنامه خلیج فارس و امنیت، سال دوازدهم، شماره ۱۱۸.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی (۱)*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، جلد اول.
- عطائی، فرهاد؛ منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۲)، *تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستر هویتی*، مجله روابط خارجی، شماره ۱۷، بهار.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۱)، *سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست*، تهران، سمت.
- متقی، افشین (۱۳۹۴)، *واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری*، تهران، فصلنامه، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۴۲.
- مرادی، روح‌الله (۱۳۹۳)، *بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی و منافع ملی ایران و عربستان در عراق*، تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
- مهر عطا، رضا (۱۳۹۵)، *ایران و عربستان سعودی رویکرد تقابلی - تعاملی*، مجموعه مقالات همایش تحولات ژئوپلیتیک غرب آسیا با تأکید بر امنیت منطقه‌ای، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- نصری، قدیر (۱۳۸۵)، *فهم سازه‌نگاری امر سیاسی*، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم.



References

- Aneja, Atul(2014) Saudi Arabia-Iran Cold War after the Arab Spring: Implications for Gulf-India Ties, Gulf Research Center. PP. 91-98.
- Ari, Heistein and Eldad, Shavid (2020), How Israel Should Prepare for Biden's New Approach to Iran, foreign policy, NOVEMBER 25: <https://foreignpolicy.com/2020/11/25/how-israel-should-prepare-for-bidens-new-approach-to-iran/>
- Avner Cohen, Israel and the Bomb (New York: Columbia University Press, 1998), p. 54
- Ayoubi, Mostafa El(2019) "The Reasons For Israel's Fear Of Iran, <https://www.southworld.net/the-reasons-for-israels-fear-of-iran>.
- Avner Cohen, "Crossing the Threshold: The Untold Nuclear Dimension of the 1967 Arab-Israeli War and Its Contemporary Lessons," Arms Control Today 37 (June 2007), www.armscontrol.org;
- Avner Cohen, "Nuclear Arms in Crisis under Secrecy: Israel and the 1967 and 1973 Wars," in Planning the Unthinkable: How Powers Will Use Nuclear, Biological and Chemical Weapons, eds. Peter Lavoy et al., (Ithaca: Cornell University Press, 2000), 112-113;
- Brussels, Amman(2017) "Identity Crisis: Israel and Its Arab Citizens", Crisis Group, <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/eastern-mediterranean/israelpalestine/identity-crisis-israel>
- Burr, William; Cohen(2016) "Israel's Secret Uranium Buy". Foreign Policy.
- Beauchamp, Zack (2018) "What are Israel and Palestine? Why are they fighting? Vox, <https://www.vox.com/2018/11/20/18080002/israel-palestine-conflict-basics>.
- Dalia, Dassa Kaye(2020) "Israel's Evolving Iran Policy", Journal Survival
- Global Politics and Strategy, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00396338>.
- Elaine M. Grossman, "U.S., Russia Clash over Mideast WMD Talks Delay," Global Security Newswire; "Mideast Nuclear Talks Called Off," Associated Press, 12 November 2012; www.nti.org.
- Farr, Warner D(2013) "ISRAEL'S NUCLEAR WEAPONS", Air University, <https://fas.org/nuke/guide/israel/nuke/farr.htm>.
- Farrel, Stephen (2020) "What's in Trump's Middle East peace plan",
- Reuters, 28/01/2020 (accessed on 03/02/2020 at <https://reut.rs/2OoM96k>).
- "Israel Says Won't Attend WMD-Free Middle East Meeting," Global Security Newswire, 20 September 2012, www.nti.org.
- Keinon, Herb (2018) "Amid Shifting Regional Sands, Mullen Reaffirms US-Israeli Strategic Ties," Jerusalem Post, February.
- Lake, Eli (May 2017), Trump Looks for Opportunities in the Middle East Crisis, Peace between Israelis and Palestinians, <https://www.bloomberg.com/view/articles>.
- Roshan, Arisa Roshan(2019) "Israel and Iran A Dangerous Rivalry", the RAND National Defense Research Institute, https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographs/2011/RAND_MG1143.pdf.
- Smith, Anthony D(2011), Nationalism, London, Polity Press, p 77
- Sachs, Natan(2018) "Israel and Iran's Role in the Middle East", Brookings, <https://www.brookings.edu/testimonies/israel-and-irans-role-in-the-middle-east>.
- The latest estimate of Israel's plutonium stockpile draws from the International Panel on Fissile Material's estimate as of January 2013, <http://fissilematerials.org>;
- Wendt, Alexander (1992), "Anarchy is what States make of It: The Social Construction of Power Politics", International Organization, Vol. 46, No. 2.

